فواصل سینما

ژاک رانسیر

برگردان:
اسدالله غلامعلی

دبیر مجموعه
(نقدهای بینگام)
و سرویراستار:
محمد میلانی

اندیشه
نشر ورا

www.ketab.ir

سرشناسه:رانسیر، ژاک، ۱۹۴۰ – م. Ranciere, Jacques
عنوان و نام پدیدآور :فواصل سینماژاک رانسیر ؛ ترجمه اسدالله غلامعلی.
مشخصات نشر:تهران: نشر ورا، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۱۷۰ص.
شابک:۳-٤-۹۸۲۵۹-۶۰۰-۹۷۸
وضعیت فهرست نویسی:فیپا
یادداشت:عنوان اصلی:.The intervals of cinema ,c2014
یادداشت:نمایه.
موضوع :سینما — فلسفه
شناسه افزوده: میلانی، محمد، دبیر مجموعه و سرویراستار
شناسه افزوده: غلامعلی، اسدالله، ۱۳٦٤ –، مترجم
رده بندی کنگره ۱۳۹ ۹ف۲ر/PN۱۹۹۵
رده بندی دیویی:۴۳۰۱/۹۱
شماره کتابشناسی ملی:۴٦۰۱۵/۱

مجموعه «نقدهای بینگام»

فواصل سینما

نویسنده: ژاک رانسیر
برگردان: اسدالله غلامعلی
دبیر مجموعه و سرویراستار: محمد میلانی
مدیر امور هنری: رضا برائی
صفحه آرایی: امیرحسین دوالقدر
ناشر: نشر ورا
امور چاپ: قشقایی
نوبت چاپ: اول:۱۳۹۶
تیراژ: ۵۰۰ نسخه
شابک: ۳-٤-۹۸۲۵۹-۶۰۰-۹۷۸

دفتر انتشارات:
تلفن: ۶۶۹۰۱۳٤۳ / ۰۹۱۲۸۹۵۹۱۶۳
تلگرام: ۰۹۳۳۰۱۶۳٤٤۳
varabookpub@gmail.com

حق چاپ محفوظ است

نشر ورا

www.ketab.ir

فهرست

پیش گفتار ۷
مقدمه ۱۳
فصل اول ۳۳
بعد از ادوار ۳۳
سرگیجه سینمایی: هیچکاک تا ورتوف و پیش از آن ۳۵
سرگیجه. ساخت الفرد هیچکاک. ۱۹۵۸ ..... ۳۷
موشت و پارادوکس‌های زبان تصاویر ۵۸
فصل دوم ۸۷
مرزهای هنر ۸۷
هنر برای هنر؛ فنون شاعری مینلّی ۸۹
پیکر فیلسوف؛ فیلم‌های فلسفی روسلینی ۱۰۳
فصل سوم ۱۱۹
سیاست در فیلم ۱۱۹
مکالمه پای آتش: اشتراب و دیگران ۱۲۱
سیاست پدرو کاستا ۱۴۷
نمایه اشخاص ۱۶۵
نمایه فیلم ۱۶۷

www.ketab.ir

پیش گفتار

کتاب *فواصل سینما* از جنبه قابل توجه است. نخست اشتیاق و شیفتگی یک فیلسوف به سینما و دیگری تحلیل‌های او از فیلم‌ها! کتاب حاضر از یک راز نهفته خبر می‌دهد؛ ژاک رانسیر در این اثر نه تنها به عنوان یک فیلسوف، و یا تحلیلگر سینما، بلکه به عنوان یک سینه‌فیل خودش را نمایان می‌کند. شیفتگی او به سینما به گونه‌ای است که ریزترین جزئیات فیلم، از نظرش پنهان نمی‌ماند. از هیچکاک، ورتوف، نیکلاس ری و ژان لوک گدار به عنوان یکی از رادیکال‌ترین و پیشروترین سینماگران جهان تا وسترن مینلی که آثار کلاسیک متفاوت و به نامی در کارنامه هنری خود دارد. از هنر برسون -که سینما را سینماتوگراف نامید و اقتباس‌های سینمایی‌اش از ادبیات، نه تنها معنای سینما را خدشه دار نکرد، بلکه ماهیت آن را بیشتر نشان داد- تا میزوگوچی، روسلینی، بلاتار، پدرو کاستا و... .

کتاب *فواصل سینما* علاوه بر مقدمه مفصل رانسیر، در سه بخش بعد از ادبیات، مرزهای هنر و سیاست در فیلم، تنظیم شده است. رانسیر در مقدمه در

www.ketab.ir

کنار بازگویی خاطرات و رویارویی‌اش با سینما به نکته جالبی اشاره می‌کند. وی معتقد است که مواجه‌اش با سینما به عنوان منتقد یا پژوهشگر نیست، بلکه سینما برای او، نشان از فواصل بین سینما- هنر، سینما- سیاست، سینما- نظریه دارد. در واقع روش او جستجوی سیاست زیبایی شناسی است نه تحلیل فلسفی یا سیاسی یک یا چند فیلم! در بخش اول، مقاله سرگیجه *سینمایی؛ هیچکاک تا ورتوف و پیش از آن*، رانسیر تلاش دارد که یک خطا را درک کند اما کدام خطا؟ خطایی که در حرکات هماهنگ و متقارن وجود دارد؛ خطایی که احتمال دارد حرکت را خدشه دار کند. وی برای درک این خطا به رابطه بین تصویر، حرکت و حرکت می‌پردازد و سفری زیباشناسانه و فلسفی در آثار آلفرد هیچکاک و دزیگا ورتوف آغاز می‌کند. در مقاله دیگری از همین بخش؛ *موشت و پارادوکس‌های زمان*، رانسیر برای تحلیل سینمای برسون، از کتاب یادداشت‌های درباره سینماتوگراف خود ایده می‌برد همانطور در کتاب آینده تصویر[1] نیز به سینمای برسون اشاره کرده بود. رانسیر شکاف و فاصله میان سینما، سینماتوگراف و تئاتر را در چارچوب فلسفی خود تحلیل می‌کند. موشت که از داستان برنانوس اقتباس شده و متأثر از ادبیات است، ولی تحت سیطره آن قرار ندارد. رانسیر نه تنها تحلیل می‌کند، بلکه داستان فیلم‌ها را نیز تشریح می‌کند. بخش دوم شامل دو مقاله هنر برای هنر؛ *فنون شاعری مینلی* و *سکر فیلسوف؛ فیلم‌های فلسفی روسلینی* است. مینلی را معمولا به خاطر فیلم‌هایش در ژانر موزیکال می‌شناسند؛ آثاری که نه تنها جوایز متعددی همچون اسکار را از آن خود کرده‌اند، بلکه امروزه به عنوان آثار کلاسیک شناخته می‌شوند. مینلی به تعبیر دیوید بردول[2]، سینمایش، نه تنها از برداشت‌های بلند سود می‌برد، بلکه فلیم‌هایش از همنشینی شخصیت‌ها و دکور نمادین ساخته شده‌اند. رانسیر در عین‌حال که جایگاه هنر را به طور واضح در این مقاله نشان می‌دهد و تأکید

---

۱. ژاک رانسیر. آینده تصویر. ترجمه فرهاد اکبر زاده. نشر آگه

2. David Bordwell

www.ketab.ir

می‌کند که هنر نیازی به توضیح ندارد، دوباره به فاصله میان تئاتر و سینما بر می‌گردد و سینمای مینلی را با تمام دکورهایش در فیلم‌هایی همچون *ژی‌ژی*، *مرا در سنت لوییس ملاقات کن* و *امریکای در پاریس*، فاصله‌ای میان حقیقت و رؤیا می‌داند. در مقاله دیگر، سینمای روسلینی از زاویه بدیعی بررسی می‌شود؛ سریال‌هایی که وی درباره سقراط، پاسکال و دکارت ساخته است، نقشی جدی در این مقاله دارند؛ آثاری که روسلینی در سال‌های ۱۹۷۱، ۱۹۷۲ و ۱۹۷۴ ساخته است. البته روسلینی فیلم‌های زندگینامه‌ای دیگری همچون *کنسرت برای میکل آنژ*، *آگوستین هیپو* و... نیز ساخته است. رانسیر معتقد است که روسلینی قصد تولید فیلم زندگینامه‌ای نداشته، بلکه در پی تجسم پیکر فلسفه است. وی شخصیت‌های ساخته شده توسط روسلینی را با نقاشی نقاشانی همچون فرانس هالس[1] مقایسه می‌کند و از این راه رابطه‌ای بین تصویر سینمایی و تصویر نقاشی را نشان می‌دهد. به کمک این آثار که درباره فیلسوفان ساخته شده، رانسیر به سراغ آثار دیگر روسلینی رفته و به *اروپا ۵۱* می‌رود و پیکر فیلسوف آن را آنجا می‌یابد. دو مقاله *مکالمه پی آتشر؛ اشتراب و دیگران*، و *سیاست پدرو کاستا*، در بخش پایانی ارائه شده‌اند. سینمای اشتراب و دنیل هولیه(که گاهی اوئیه نیز ترجمه می‌شود) کمتر دیده شده است امّا فیلسوف مارکسیت ساختارگرایی همچون رانسیر ریشه‌های قابل تاملی را در آثار این هنرمندان باز می‌یابد؛ ریشه‌هایی که در پس ظاهر فیلم، نهفته‌اند و ما نیز آنها را ساخته‌اند. دقیقاً خود رانسیر به این نکته اشاره می‌کند که سینما دو بعد را یعنی آنچه عموم می‌بینند و آنچه پنهان است، را نشان می‌دهد. این هم نوعی ارتباط و هم نوعی فاصله است. گدار، اشتراب و هولیه بدون تردید از تفکر و نظریه برشتی سود بسیار برده‌اند. اگر بسیاری از آثار این فیلمسازان رویکرد سیاسی دارند، امّا رانسیر به دنبال سیاست سینما به تعبیر خودش ارتباط و شکاف آنها می‌پردازد؛ پارادیمی که آن را برشتی نام می‌نهد، پیوستگی روایت را به گسختگی بدل

1. Frans Hals(1582-1666)

www.ketab.ir

می‌کند و همین گسیختگی دیالکتیکی را به وجود می‌آورد. مقاله سیاست پدرو کاستا توسط آقای فرهاد اکبرزاده در مجله فرهنگ امروز، ترجمه شده بود و من از آن بسیار کمک گرفت و از این بابت از ایشان بسیار سپاسگزارم. رانسیر با یک پرسش آغاز می‌کند؛ چگونه سیاست آثار پدرو کاستا را بشناسیم؟ در واقع با همین پرسش ما را به مقاله قبل ارجاع می‌دهد؛ به عبارتی برای درک دقیق اثر، ما باید دوباره به جستجوی ریشه‌های نهانی باشیم. سینمای کاستا با سیاست، کمونیسم، فقر و... گره خورده است اما مساله این است که کاستا به روش متعارف آن را نشان نمی‌دهد، و در پی سیاست زیباشناسانه است، نه زیباشناسی سیاسی! رانسیر تأکید می‌کند که دوربین کاستا به دنبال نمایش استثمار، قدرت اقتصادی و یا پلیس و فرمول‌های سیاسی نیست. درحقیقت رانسیر به دنبال چنین فیلمهایی نیست و در این کتاب نیز، آثاری را انتخاب کرده که نگاه و رویکرد متعارفی ندارند.

کتاب فواصل سینما از نسخه ترجمه انگلیسی، ترجمه شده است که متأسفانه باید گفت، ترجمه انگلیسی ایراداتی دارد و غلط‌های متعددی نه تنها از نظر محتوایی بلکه حتی غلط‌های املایی و یا اشتباه در سال تولید فیلم‌ها و ... در آن وجود دارد. نکته بعدی اینکه دیدگاه و تفکر و ... البته زبان رانسیر در این کتاب و دیگر آثارش که ترجمه شده است، بسیار ثقیل است حتی که علاوه بر وسعت اندیشه فلسفی وی، آشنایی وی با سینما مثال نزدنی است و یک سینه فیل واقعی است ـ و آنچه من را ترغیب کرد همین نگاه رانسیر به سینما بود. اما این نگاه به معنای تحلیل فلسفی نیست. رانسیر به تحلیل فلسفی سینما نمی‌پردازد، بلکه ذات سینما را به عنوان شکلی از سیاست، زیباشناسی و فلسفی مورد چالش قرار می‌دهد.

در پایان لازم است به دو نکته اشاره کنم. نخست از دوستی، مهربانی و آرامش آقای **مهدی حبیب‌زاده** که در ویرایش این کتاب، درک مفاهیم و

www.ketab.ir

اصطلاحات و همچنین نظریه و فلسفه رانسیر، به طور جزء به جزء و لحظه به لحظه من را یاری کردند، کمال تشکر و احترام دارم. همچنین از طرف خودم و محمد میلانی دبیر مجموعه، از فرهاد اکبرزاده تشکر می کنم.

در انتها این کتاب را به پاس احترام، ادب و دوستی به مهدیس مهاجری، دوست دیرین‌ام که من را در تمام مراحل ترجمه و ویرایش این کار با صبوری و مهربانی یاری کرده‌اند، تقدیم می‌کنم.

www.ketab.ir